



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقهاء ما مباحث وقف را به چهار قسمت تقسیم کردند: اول اینکه تحقق وقف به چه عنوانی صورت می گیرد و وقف عقد است یا ایقاع و دوام می خواهد یا نه و کلاً شرایطش چیست؟.

دوم مربوط به شرایط واقف است و اینکه باید بالغ و عاقل باشد یا وقف صبی غیر بالغ ده ساله نیز صحیح است؟. سوم در مورد موقوف علیه بود به این بیان که آیا وقف عام است یا خاص، وقف بر اولاد است یا وقف بر فرق می باشد.

چهارم بحث در موقوف یعنی آن چیزی که انسان وقف می کند و فعلاً بحث ما در همین موقوف می باشد.

اشکال و پاسخ استاد حفظه الله: اگر بر کفار ذمی که در زیر سیطره اسلام هستند وقف کنیم تقویت آنها محسوب نمی شود اما وقف بر صوفیه یا کسانی که تقویت آنها محسوب شود جایز نیست و اگر شک کنیم اصل بر فساد می باشد زیرا وقف یا از عقود و یا از ایقاعات است و در صورت شک اصل بر فساد می باشد، البته شیخ طوسی در خلاف نقل قول کرده که برخی وقف بر صوفیه را صحیح دانسته اند ولی آن درکی که ما از صوفیه داریم و با توجه به آن مبانی و أدله ای که آوردیم هیچگاه صوفیه قابل تطهیر و تبرئه نیستند و دارای انحرافات فراوان و خلافهای زیادی هستند لذا وقف بر آنها را صحیح نمی دانیم.

خب و اما محقق در شرایع در مورد شرایط موقوف اینطور می فرماید: «الأول في شرائط الموقوف: و هي أربعة: أن تكون عيناً (اول در مقابل منفعت و دوم عین در مقابل دین) مملوكة (مال خودش را وقف کند نه مال دیگری را البته بعداً خواهیم خواند که آیا وقف فضولی صحیح است یا نه و

همچنین قابل تملک باشد و مثل کلب و خنزیر نباشد که قابل تملک نیستند) ینتفع بها مع بقائها (عین مملوکی باشد که باقی باشد و از آن انتفاع ببرند) و یصح إقباضها (مثلاً ماهی دریاها و پرندگان آسمانها و عبد فراری نباشد).

فلا یصح وقف ما لیس بعین کالدین و کذا لو قال وقتت فرساً أو ناضحاً (شتر آب کش) أو داراً و لم یعین (ایشان از کلمه عین نتیجه می گیرد که باید در خارج معین و مشخص باشد) و یصح وقف العقار (چیزهای غیر منقول مثل خانه و مزرعه) و الثیاب و الأثاث و الآلات المباحة و ضابطه کل ما یصح الانتفاع به منفعة محللة مع بقاء عینه.

و کذا یصح وقف الکلب المملوک (مثل کلب حائط یا کلب صید یا کلب ماشیه) و السنور (گربه) لإمكان الانتفاع به (مثل خوردن حشرات و موش ها).

و لا یصح وقف الخنزیر لأنه لا یملکه المسلم و لا وقف الابق لتعذر التسليم.

و هل یصح وقف الدنانیر و الدراهم قیل لا و هو الأظهر (زیرا پول چیزی نیست که عینش باقی باشد و منفعتی داشته باشد بلکه پول را خرج می کنند) لأنه لا نفع لها إلا بالتصرف فیها و قیل یصح لأنه قد یفرض لها نفع مع بقائها (مثل زینت).

و لو وقف ما لا یملکه لم یصح وقفه و لو أجاز المالك قیل یصح لأنه کالوقف المستأنف (یعنی وقف فضولی جایز است) و هو حسن.

و یصح وقف المشاع و قبضه کقبضه فی البیع<sup>۱</sup>.

این عبارت محقق در شرایع در مورد موقوف بود که دلائلش را بعداً یک به یک عرض خواهیم کرد.

خب و اما کلام امام رضوان الله علیه در تحریر الوسيلة این است: «مسألة ۳۱ - يعتبر في الموقوف أن يكون عيناً (در

<sup>۱</sup> شرایع الاسلام، محقق حلی، ج ۲، ص ۱۶۶، ط اسماعیلیان.

مقابل منفعت و دین) مملوكة (مال خود واقف باشد و مثل کلب و خنزیر نباشد) یصح الانتفاع به (مثل نان نباشد) منفعة محللة مع بقاء عينه بقاء معتدا به (مثل وقف گُل) غیر متعلق لحق الغیر (مثل حق التحجیر و در صوتی که متعلق حق غیر باشد می رود تحت عنوان فضولی) المانع من التصرف و يمكن قبضه، فلا یصح وقف المنافع، ولا الديون، ولا ما لا یملك مطلقا كالحر، أو لا یملكه المسلم كاختزیر، ولا ما لا انتفاع به إلا باتلافه كالأطعمة والفواكه، ولا ما انحصر انتفاعه المقصود في المحرم كآلات اللهو والقمار، ویلحق به ما كانت المنفعة المقصودة من الوقف محرمة، كما إذا وقف الدابة لحمل الخمر أو الدكان لحريزها أو بيعها، وكذا لا یصح وقف ریحانة للشم على الأصح، لعدم الاعتداد ببقائها، ولا العين المرهونة، ولا ما له يمكن قبضه كالدابة الشاردة، ویصح وقف كل ما صح الانتفاع به مع بقاء عينه بالشرائط، كالأراضي والدور والعقار والثياب والسلاح والآلات المباحة والأشجار والمصاحف والكتب والحلي وصنوف الحيوان حتى الكلب المملوك والسنور ونحوها».<sup>۲</sup>

کلام امام و محقق رضوان الله علیهما در شرایط موقوف را خواندیم حالا دلائل اینها را إن شاء الله به عرض خواهیم رساند....

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

<sup>۲</sup> تحریر الوسیلة، الامام الخمينی، ج ۲، ص ۶۹، مسئله ۳۱.